

## جنگهای انقلابی در هندوچین

پس از روی کار آمدن نیکسون و سیاست آمریکا در هندوچین عبارت بود از برانگیختن آسیای ما علیه آسیای ما با نفیوت باز هم بیشتر ارتشهای دست نشانده و پتانم جنوبی پلاوس و تایلند کوشیدند با پشتیبانی از جنگ را بر دوش این ارتشها بگذرانند تا اگر قربانی و گوشت دم توپ بیشتری لازم باشد از جانب این ارتشها تحویل داده شود - برخی از ساده لوحان در آن زمان گمان میکردند که سیاست نیکسون در جهت محدود کردن جنگ و در جهت محدود کردن مداخله در سونوست هندوچین و در جهت پیداکردن "راه حل دیپلماتیک" مسئله هندوچین است و نه در جهت توسعه جنگ بسترها هندوچین و ولسو دیری نپایید که دامنه جنگ با تمام شدت خود بسترها هندوچین چین کشید - بمباران جمهوری ویتنام شمالی که مدتی تعطیل شده بود مجدداً آغاز شد، سرزمین لاوس نیز علی رقم تمام قرار داد های بین المللی مورد حمله و بمباران قرار گرفت - مرزهای کمبوجی طرف کامبوج آخرین مرزهایی بود که بدین خاطر گشوده شد - امروز جنگ در بسترها هندوچین - ویتنام - لاوس - کامبوج و تایلند - زمانه میکند .

دولت قانونی کامبوج تحت رهبری سیهانوک علی رقم دسیسه های کونگون امپریالیسم آمریکا سازمان جاسوسی آمریکا - سیا - و ارتجاع داخلی از پانزده سال پیش کوشش های بی پای امپریالیستها را برای تجاوز به خاک کامبوج تبدیل آن به پایگاهی نظامی برای تجاوز به ویتنام و سایر شرقی های هندوچین آغاز کرده که در تایلند رفتار بیستون عقیمک اشتباه بود . از آغاز مارس ۱۹۷۰ گماشتگانی نظیر لون و سیریک - پاناک که خود را تاجرانگال به امپریالیستهای آمریکایی فروخته اند از عیبت سیهانوک استفاده کردند - ابتدا تبلیغات شدیدی علیه خلق ویتنام براه انداختند ، توسط اعلامیات زرخیر خود به سفارتخانه های جمهوری دموکراتیک ویتنام شمالی و دولت موقت جمهوری ویتنام جنوبی حمله بردند تا چنین وانمود سازند که دشمن خلق کامبوج امپریالیسم آمریکا نیست خلق ویتنام است . آنها بدین ترتیب برای کودتای امپریالیستی مقدمه - چینی کردند و روز ۱۸ مارس کودتای خود را به سرانجام رساندند و اعلام داشتند که سیهانوک دیگر رئیس کشور کامبوج نیست . روز ۱۹ مارس وزارت اطلاعات کامبوج اعلام کرد که هر کسی را به خیال خود بحتلا مضر بشناسد بفریفت و بدون دستور قانونی بازداشت خواهد کرد . رادیو کامبوج در همین روز اعلام لغو آژواد پهای قانونی را پیش کرد .

حتی تمام محافل طبقاتی جهان غرب متفق القولند که کارگردان اصلی کودتا سازمان سیا است که تاکنون در سلسله از کشورهای اجزله ایران کودتاهای نظامی بسرا ه انداخته است . عده ای از سبنا توره های آمریکایی نیز همین عقیده را علناً ابراز داشته اند . یکی از شواهد امر آنست که از همان فردای کودتا بانک ملی به حکومت غیر قانونی پرداخته گشتی های آمریکایی پراز اسلحه که قبلاً آماده شده بودند - برای کمک نظامی به کودتاچیان در سواحل کامبوج لشکر انداختند دولت غیر قانونی کودتاچیان تکیه خود به زشت ترین اعمال فاشیستی توسل کردید . کشتار تاریخی پراچاوت که در آن سیصد نفر مرد و زن بیبر جوان و حتی شیرخواره به تیر بسته شدند تنها نمونه ای از قساوت فاشیستی آنهاست . آتاتور که خبرنگار آمریکایی گزارش میدهد ، قاتلین نه تنها به کشتار این مردم دست زدند بلکه اجساد آنها را نیز قطعه قطعه کردند بطوریکه سرودست و پا و غیره در اینطرف و آنطرف افتاده بود . امپریالیستها و این میزغیب هایشان گمان میکردند که با این اعمال فاشیستی مسئله کامبوج را حل کرده اند ولی حواصت پس از کودتا نشان داد که خلق

## ماهواره زمین

پرتاب ماهواره زمین ( قمر صوری ) از طرف جمهوری تود های چین و اوضاع تاریخی است - نشانه های از پیشرفت شگفت انگیز دانش و تکنیک در آن کشور است - از نتایج انقلاب کمبوج فرهنگی پر رونق است - پیروزی اندیشه مائوتسه دون است - اندیشه مائوتسه دون بود که با نفوذ در توده های وسیع بصورت نیروی مادی شکست ناپذیر درآمد ، میلیون ها نفر مردم متحد شده و غارت شده و غنچه کشیده را به پیکاری عظیم ویر - شکیب بر ضد استعمار و استثنای پراگندگی چین تود های را بنیاد نهاد ، دیکتاتوری پر لاریا را در یکی از دشوارترین لحظسات تاریخی که حزب و دولت شوروی به روی زمین گمراهی بود حفظ و تحکیم کرد ، پیوندگان راه سرمایه داری را به نیروی انقلاب کبیر فرهنگی پر لاری از سر راه خلق در ساخت ، با تحولات بی سابقه اجتماعی زمینه تحولات بی سابقه تولید علم و فن را فراهم آورد . کامیابی های گوناگون خلق چین که پرتاب موفقیت آمیز ماهواره زمین یکی از آنهاست بدون پیروزی اندیشه مائوتسه دون غیر ممکن بود . اندیشه مائوتسه دون بود که به جبهه سانی در برابر بورژوازی و در برابر سنن اجتماعی ، فرهنگی ، علمی و فنی او پشت پایر و طی خدای عالی تری را در کلیه زمینه ها در برابر پر لاریا پیروز مند مطرح ساخت . رفیق مائوتسه دون گفت : " ما نمیتوانیم همان راههای آنرا که کشورهای دیگر در تکامل تکنیک پیورده و هموار ساخته اند در پیش گیریم . ما نمیتوانیم لنگان لنگان بدنهال دیگران روان باشیم . ما باید شیوه های کهنه را بشکیم و از تکنیک های شرقی بهره کامل برداریم تا کشور خویش را در طی دورانی تاریخی که زیبا و طولانی نباشد یک کشور سوسیالیستی نیرومند در میدان گردانیم ."

انقلاب کبیر فرهنگی پر لاری ، این آموزش انقلابی مارکسیستی لنینیستی را در زمینه علم و تکنیک پیروز گردانید و موجب کامیابی های نظیر پرتاب ماهواره زمین شد .

امپریالیست ها و رویزونیست ها چه دروغ ها که تیرا کنند و چه اتهام ها که تیرند تا بجهانمان چنین جلوه دهند که انقلاب کبیر فرهنگی پر لاری در چین چیز دیگری جز

آشوب و پراکندگی ، جز تفرقه ، جز کمونیست ، جز تلاش تولیدی جز تزیل مقام علم و تکنیک در برابر بردار . اینک پرتاب ماهواره زمین که کوه بچون و جبرای انقباض آهنین در حزب و حکومت چین و مظهر ترقی عظیم تولید و شگفتی علم و تکنیک آن کشور است مایه روسیاهی دروغ زنان و اتهام گران است . ماده ۱۲ " قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین درباره انقلاب کبیر فرهنگی پر لاری " که تحت نظر رفیق مائوتسه دون در ۱۹۶۷ تصویب شد چنین مقرر میدارد :

" در طی جنبش گوناگون باید در مورد اهل دانش و تکنیک و کارمندان علمی ، آنها را که میهن پرست اند و مجدداً به کار میگیرند و با حزب و سوسیالیسم از در مخالفت در نمی آیند و با خارجا به بند نیست ندارند سیاست " وحدت - انتقاد سوجان را همچنان ادامه داد . باید به اهل دانش و کارمندان علمی و فنی که در رشته خویش برجسته اند توجه خاص داشت . در مورد جهان بینی و سبک کار آنان ، ما میتوانیم با آنها یاری دهیم که بتدریج باصلاح خویش بنائل آیند . اگر این رهنمود مارکسیستی - لنینیستی وجود نمیداشت علم و تکنیک چین نمیتوانست باین سرعت بچنین مقام ارجحندی گام بگذارد . امپریالیست ها و رویزونیست ها این ماده و سایر مواد قطعنامه مربوط به انقلاب فرهنگی را در مقابل نظر داشتند و معدک بانگورده کینه طبقاتی خویش بچنان تبلیغات نگاه آوری دست زدند پرتاب ماهواره زمین ( قمر صوری ) از طرف جمهوری تود های چین بنفشه تقسیم جهان که امپریالیست های آمریکائی و سوسیال امپریالیست های شوروی بقیه در صفحه ۳

## روش کمونیستی

" کمونیست در هیچ زمانی و در هیچ مکانی نباید منافع شخصی را در بر وجه اول بگذارد بلکه باید آنها را تابع منافع ملت و توده های خلق گرداند "

مائوتسه دون

## از « تاریخ حزب کار آلمانی »

بخشی بسیار آموزنده از ایوان فصل دوم " تاریخ حزب کار آلمانی " مربوط به سالهای ۱۹۴۱-۱۹۴۴

های سالم میهن پرستانه ای در ریکار داشتند . حزب کمونیست به پانوجه به کلیه این واقعات متفرق طاع دهقانان را در مبارزه کاملاً بد رستی ارزیابی کرد و رفیق انورخوچه چنین گفت : " در شرایط کشور ما طبقه های در مبارزه پیروز خواهد شد که دهقانان را در کنار خود داشته باشد ."

حزب کمونیست در تمام دوران مبارزه نجات بخش ملی باین شعار وفادار بود : بسیج کلیه دهقانان و صرطنرا از اختلافات طبقاتی . ولی دهقانان شرتونده متفندان دهات بکتابه طبقه برنامه حزب کمونیست و نقش رهبری آن را نپذیرفتند . عموماً به سازمان های خیانتکار و روزی و مالکان بزرگ ارضی پیوستند و تکیه گاه آنها در دهات شدند ، باین امید که اختیارات خویش را پس از جنگ نگهدارند .

همه دهقانان ، بورژوازی کوچک و متوسط شهرها در مبارزه نجات بخش ملی شرکت جستند بدون آنکه حتی سیاسی بنما - یندگی خود داشته باشند . آنها بسیار ناخجاس و از لحاظ اقتصادی بسیار ناتوان و بیوزیر فاقد اراده و بیخنگی و آزودکی بودند . مبارزه سیاسی بودند و از اینجهت حزب واقعی سیاسی تشکیل ندادند و نمیتوانستند تشکیل دهند . بالنتیجه از ایفا نقش رهبری در مبارزه نجات بخش ملی عاجز بودند . آنها برانامه حزب کمونیست را نپذیرفتند زیرا که آن را مظهر مطالبات سیاسی فوری خویش می یافتند .

خرده بورژوازی که اکثریت عظیم اهالی شهرها را تشکیل میداد ، اگرچه زیاد مصمم و آماده به همکاری بنظر نمیرسیسده تقریباً بتامی در مبارزه نجات بخش ملی شرکت جست و میهن پرستی بسیاری از خود مظاهر ساخته بهترین بخش این بورژوازی با حزب کمونیست پیوندی نزدیک یافت .

### توازنات مبارزه نجات بخش ملی و طلب پیروزی

... طبقه کارگر در مبارزه نجات بخش ملی نقش رهبری داشت و این نقش را بوسیله حزب کمونیست آلمانی ایفا کرد .

طبقه کارگر آلمانی هنوز کمپار بود پراکنده بود ، بصورت پر لاریای صنعتی در نیامده بود ولی تفرقی ترین طبقت و آینه شده را با خود داشت ، بویژه آنکه هیچ طبقه دیگری در کشور ما نتوانست حزبی باشکلیلات استوار با سیاست صحیح و مبتنی بر مبانی علمی بوجود آورد ، آن طوره که طبقه کارگر بوجود آورد . اگرچه تعداد کارگران در ارگان های رهبری مبارزه نجات بخش ملی و نیز در ترکیب حزب کم بود این امر از رهبری طبقه کارگر راین مبارزه نکاست ، حزب کمونیست آلمانی اعضا خود راه اگرچه بخش مهمی از آنها از خرد بورژوازی و بویژه ارتشهای دهقانی برخاسته بودند ، با روش عمیق پر لاری انقلابی ، با عزم جزم در دفاع از منافع پر لاریا و سوسیالیسم بار آورد ، منافع مذکور آن را وضاح و احوال با منافع مبارزه نجات بخش ملی ، با منافع تمام خلق آلمانی و ملت سوسیالیستی درهم می آمیخت و وحدت می یافت .

دهقانان بصورت ذخیره عمده و نیروی مسلح عمده مبارزه نجات بخش ملی ، بصورت استوا ترین تکیه گاه طبقه کارگر و حزب کمونیست آلمانی درآمدند .

دهقانان آلمانی اکثریت عظیم اهالی کشور را تشکیل می دادند . البته از لحاظ اقتصادی و فرهنگی عقب مانده بودند ولی استعداد های بزرگ انقلابی در آنها نهفته بوده است ، استعداد هایی که در مبارزه پیاپی بخاطر تحصیل زمین و آزادی و برضد استعمار مالکان بزرگ ارضی ، برضد بازرگانان را خوار برضد رژیم های ضد خلقی پیشین و بویژه برضد استیلاگران بیگانه حاصل شده بود . دهقانان بیش از هر طبقه یا قشر اجتماعی دیگر آلمانی بودند .

## پیروز باد مبارزه دلیرانه خلق های هندوچین

# امپریالیسم در کردار

یاد رطبی مقالات متعدد در تهران داده ایم که سوسیال امپریالیست های شوروی در اتصال سیاست نواستعماری خویش دودستار و نیکبام رژیم کودتا هستند . اینک برخی از سخنان نیکلای پادگونی رئیس جمهور شوروی را در سفر اخیر وی به ایران در تأیید مقالات مذکور نقل میکنیم :

"من در این سفر بخوبی ملاحظه کردم که خط مشی ایران استوار صحیح و منطقی است و این کشور باستانی برای پیشرفت و همجواری خود سیاست مستقل ملی را اتخاذ کرده است ."

"ایران تقدیر قوی است که میتواند با هر کسی که بخواهد دوستی کند ."

"بزرگی و تطابق روش های اتحاد شوروی و ایران در جنبش مسائل ( بین المللی ) بیرونی مانند مبارزه با خطر صلح و امنیت بین المللی و مخاطرات بین بردن قسطی استعمار و مخاطرات صلح و امنیت سلاح هسته ای با این امر ( همکاری بین دو کشور ) کمک و مساعدت می نماید ."

"نقش مثبتی که امپریالیست محمد رضا شاه پهلوی رئیس کشور ایران در این زمینه ( یعنی تأمین پیروزی برفاشیسم ) ایفا نموده اند بخوبی معلوم میباشد ."

نقل از اطلاعات ۶ و ۷ فروردین ۱۳۴۹

## ارتزایح حزب ... بقیاضصفحه ۱

بورژوازی متوسط بسیار در توفان بود و گرایش به سازش با اشغالگران در صفوف وی ظاهر میشود . معذک اکثریت بورژوازی مذکور منگنه قوانین اشغالگران در زرفشار رسوایه خارجی و تحت تأثیر همین پرستیستی خلق آلبانی به ضد اسارت برخاست و در مبارزه ضد فاشیستی شرکت جستند و آنکه فعالیت های زیادی داشته باشد . قطب خنجر کوچکی از این طبقه به اشغالگران پیوست ... روشن فکران آلبانی که اکثر گوشه های فوآنی متوسط اهالی برخاسته بودند عمیقاً به پرستی ضد فاشیست درآمدند . طرفی ترین آنان به همین پرستی ، غم جرم روحیه عمیق انقلابی ممتاز بودند مشی حزب کمونیست را پذیرفتند و در راه اجرای آن نبرد کردند . فخلقه و اندکی از روشن فکران که با ایدئولوژی بورژوازی فاشیستی قائل شده بودند به اشغالگران پیوستند ...

فعال ترین نیروی مبارزه نجات بخش ملی جوانان بودند . آنها در شهرها در روستا و در صفوف رشتن بودند و در ریشا پیروز مبارزه بر ضد اشغالگران و خاقان قرار داشتند .

اکثریت عظیم جوانان وحش عالی همین پرستی و نیز روحیه شرقی عمیقاً انقلابی از خود نشان دادند . آنها با حزب کمونیست پیوندی نزدیکی یافتند و راه اندیشه های سترک مارکسیسم - لنینیسم با شور و شوق بکار گرفتند .

نخستین کسانی که خود را به عرصه مبارزه نجات بختراندند . خنند جوانان دانش آموز و کارگر شهرها بودند .

منشاء دانش آموزان بطور عمده از بورژوازی متوسط و کوچک شهرها بود . این دانش آموزان که در کنار جوانان کارگر در صفوف سازمان جوانان کمونیست مبارزه مشغول بودند سهم بزرگی در تبلیغ مشی حزب کمونیست آلبانی در بین توده های خلق ایفا کردند . در بین حال بوسیله این دانش آموزان بود که حزب مادر بورژوازی کوچک و متوسط شهرها نفوذ میکرد .

معذک توده عظیم جوانان ضد فاشیست از جوانان در همان تشکیل میشد که مانند جوانان شهرها با شور و هیای و با عزم انقلابی به مبارزه روی آوردند .

جوانان در همان اکثریت نفرت ارتش نجات بخش ملی را تشکیل می دادند .

زنان آلبانی در مبارزه ضد فاشیستی ، نیروی عظیم بودند هیچگاه در مبارزات ملی سابق ، شرکت زنان با این اندازه نبوده است ، زنان آلبانی مشی حزب کمونیست را پذیرفتند و در کنار مردان برای اجرای آن فعالیت مبارزه کردند زیرا که نه فقط راه مطلق نجات ملی و اجتماعی خلق را در آن میدیدند بلکه تحصیل تسای قوی و پایداری و رهائی ارکلیه قیود اسارت و گدشته را در تحقق آن می دانستند ...

حزب کمونیست آلبانی ، الهامگر سازمان دهنده رهبر مبارزه نجات بخش ملی و سازنده پیروزی بود .

## جنگهای انقلابی ... بقیاضصفحه ۱

کمیونج به استیلای امپریالیستین درنده راه و تن در نمیدهد .

رئیس قانونی کمیونج - سیهانوک - از یک پیامهایی به هم میهنانش فرستاد و آنها را دعوت به مقابله علیه آمریکا نمود .

سیهانوک در پیامهای خود ماهیت ارتجاع حاکم در کامیونج را نشان داد و ارتزایی که نه تنها در کامیونج بلکه در تمام کشورهای منطقه توفان ها نظیر اندونزی ، ایران ، بزیله ، غنا و غیره زهر خود را پاشیده است . سیهانوک خاطر نشان کرد که "خیانت این مرتجعین . . . این حقیقت را به من شناساند که گمان ایندیک یک این عناصر فاسد ، بلکه این بورژواها و اناها - دکان فاسد ، بلکه این فاشیستها و مرتجعین که در " دولت کونی و در " پارلمان " کونی قرار دارند ، میتوان کامیونجی آزاد و دموکراتیک ساختن اشتباهی تلخ و نابخشودنی بوده است ."

واقعیت همچنین است ، که سوری آزاد ، دموکراتیک و انتهای آزادی میتواند ساخت که امپریالیسم سرکوب کننده ، دست ارتجاع داخلی بریده و صدایش خاموش شده باشد .

سیهانوک در یک تشکیل جبهه واحد ملی کامیونج و دولت قانونی کامیونج را اعلام کرده از تمام دولت شرقی جهان حواس ت که این جبهه و دولت را برسمیت بشناسند مردم کشور خویش را دعوت کرده با تشکیل در این جبهه همستگی خود را با خلقهای ویتنام و لائوس و سایر نیروهای ضد امپریالیسمی لسنی کشورهای برادر تحکیم بخشند ، اسلحه بدست گیرند ، به جنگ بروند و به نبرد با امپریالیسم و زرخیزد کانترویر ازانند .

نیروهای مسلح خلق کامیونج بزودی در همه جا به جنگ با کودتاچیان و تجار و تزاران پرداختند .

گسترش تجاوز آمریکا به هندوچین خشم هر چه بیشتر خلق های این منطقه را برافروخت عزم هر چه بیشتر آنها را در مقابله بر برابر امپریالیسم ، برای نبرد تا اخراج آخرین سرباز امریکائی با عسکرید . هزاران دهقان کامیونجی بهمانیزان ها پیوستند . رئیس قانونی کشور کامیونج سیهانوک در پیام خود به دولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام جنوبی تصریح کرد که " . . . به این دلیل ما مردم کامیونج نظرها را تأکید میکنیم که با یستی دست در دست خلقهای برادر ویتنام و لائوس به پایزمیز از یکدیگر پشتیبانی کامل کنیم ، بلکه یکدیگر پشتیبانیم و طبقه دشمن مشترکمان تاپیروزی نهایی در نبرد بمانیم ."

بزودی نمایندگان جمهوری تودهای چین ، جمهوری زحمیند نشان ویتنام و دولت موقت جمهوری ویتنام جنوبی و جبهه میهن پرستانه لائوس برای ایجاد وحدت عمل در نبرد با امپریالیسم و دفاع از خلق کامیونج گفتگوهایی تشکیل دادند و بدین ترتیب جبهه آزادی بخش هندوچین را پایه گذاری کردند .

این پشتیبانی بی شائبه خلقهای برادر از خلق کامیونج و مقابله در برانه خلق کامیونج عرصه را بر دولت دست نشانده کامیونج آنچنان تنگ کرد که دیگر دوامش بهر بنظر نمی رسید .

امپریالیسم آمریکا که نقشه کودتای کامیونج را شکستخورد و در میدان چاره دیگری نیافت جز اینکه به تجاوز مستقیم به خاک کشور بی طرف کامیونج بپردازد . ده ها هزار سباهی آمریکا و دست نشانده کانتینر حاکم این کشور را مورد حمله مستقیم قرار دادند ، هزاران تن بهب به خاک کامیونج انداختند ، تا همه چیز را بسوزانند و نیروهای مقاومت را درهم جانیابند سازند ولی این نقشه در دشمنانه آنها نیز بنا به اعتراض خودشان ن به نتیجه نرسیده است .

امروزه خلق کامیونج از استیلای امپریالیسم رنج میبرد ، ولی خلق کامیونج دارای سنت های انقلابی و ضد امپریالیستی فراوانی است و تا اخراج امپریالیسم و سرکوب نوکراتش از پای نخواهد نشست . خلق ویتنام نیز به امپریالیسم آمریکا و دست نشانده کانتینر غربت مرکبای وارد ساخته است . خلق لائوس هم جنگ ضد امپریالیستی اش را با مراحل نوینی ، با مراحل نجات نهایی از استیلای امپریالیسم و ارتجاع داخلی تکامل بخشید .

جنگهای پارتیزانی در تایلند نیز هر روز گسترش بیشتری می یابد از این پس مبارزات خلقهای این کشورها هم آهنگی بیشتر خواهد یافت و امپریالیسم آمریکا را برانورد خواهد آورد . بحسام خلقهای جهان و از آنجمله مردم آمریکا این مبارزات رهائی بخش را مورد پشتیبانی قرار میدهند . کودتای کامیونج و حمله به خاک کامیونج نه تنها به پیروزی امپریالیستها نتیجه نمیدهد بلکه

برعکس ، شکست قطعی آنها را نزدیک تر ساخت . امروز مردم آمریکا علی رغم سیاست فاشیستی دولت انحصارگران ، علی بنیت جنگ طلبانه این دولت بپا حاسته اند . در نظرها هستی که در دانشگاه اوهایو علیه تجاوز آمریکا به کامیونج صورت پذیرفت و دانشجویان به ریکار مسلسل بسته شدند ، چهار نفر آنها بقتل رسیدند و عده ای جرح شدند . ولی این روش فاشیستی صدای حق طلبانه مردم آمریکا را خاموش نساخت بلکه چه بره و زورانه نیکسون را نمایان تر ساخت . امروزه درهای صدها مدرسه و دانشگاه امریکائی بخاطر اعتصاب محصلین بسته است .

آنروز که برخی گمان میکردند که آمریکا برای " دفاع از استقلال ویتنام جنوبی و برای حفظ صلح " در ویتنام می جنگد سپری شده است . همه مردم جهان دریافته اند که عامل اصلی تمام تجاوزات و جنایات عظیم تاریخی همین امپریالیسم آمریکا است . رئیس قانونی کشور کامیونج - سیهانوک - در اظهاریه ۲ آوریل خود تصریح کرد که : " آنروز که آمریکا ارتش خود را از خاک ویتنام جنوبی فراخواند ، همه جهان خواهند دید که از آنروز دیگر در هندوچین جنگی صورت نخواهد پذیرفت ، فقط بحران و بی خانمانی از سرزمین ما رخت بر خواهد بست . . . "

امپریالیسم آمریکا دشمن مشترک خلقهای هندوچین و جهان است . تجاوز به کامیونج نیز بخشی از استراتژی جهانی او برای درین نگاه داشتن خلقهاست . مبارزه خلق های هندوچین علیه امپریالیسم نیز بخشی از انقلاب جهانی است . خلقهای سراسر جهان از نبرد مردم هندوچین بهدون قید و شرط پشتیبانی میکنند . پشتیبانی این خلقها تنها در آن نیست که فریاد اعتراض خود را رساتر سازند بلکه بطور عمده در آست که خود مستقیماً به نبرد با امپریالیسم بپردازند .

رویزبونیستهای شوروی با آنکه زحمت نوشتن چند مقاله اعتراض آمیز را بحرد دارند ولی بطور کلی از حمله آمریکا به خاک کامیونج بر آشفته نشدند . اگر بر آشفته میکشند ، لاف در مواضع خائنانه خود با امپریالیسم در میز آکرات دستانه بسا نمایندگان آمریکا برای ایجاد انحصار آمریکا و شوروی در تملک سلاحهای مملک و قه ای ایجاد میکنند .

امپریالیسم آمریکا بخوبی میداند است که رویزبونیستهای شوروی تجاوزاتی را به خاک کامیونج با حوسرمدی و ملا میتمنحل خواهد کرد ، همانطور که امپریالیسم آمریکا نیز تجاوز سوسیال - امپریالیسم شوروی به چکسلواکی را با حوسرمدی و ملا میتمنحل کسب کرد .

علی رغم این سازش خائنانه آمریکا - شوروی ، خلقهای جهان و از آنجمله خلقهای هندوچین به نبرد خود شدت بیشتری می بخشند ، روزی که در اثر قاطعیت این نبرد ، امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم از جهان برافتند چندان دور نیست .

## افزایش محصولات «صنعتی» صادراتی

سال گذشته انتظارها را از لحاظ عمده محصولات صادراتی کشورمان گویا کامیابی بلند می بینیم و نشان میدهد که ما در صادرات کشورمان هفتاد درصد افزایش یافته است . محصولات صنعتی ایران به اندازه ای افزایش یافته است که ما در صادرات این محصولات برای خرید آنها بوسیله بیخک کشورها هفتاد درصد افزایش یافته است .

صادرات کشور هفتاد سال گذشته تا برار در ده ها ملیون دلار افزایش یافته هر یک یکصد و یکصد و سیصد دلار افزایش یافته است . البته شما در جستجوی آن نباید که ما از یک سال گذشته تا برار در ده ها ملیون دلار افزایش یافته است که در محصولات ما در ده ها سال گذشته تا برار در ده ها ملیون دلار افزایش یافته است .

افزایش صادرات در این زمینه و جبرود ناخود آگاه ما در ده ها سال گذشته ، میخورد ، گویا روند در این زمینه و جبرود ناخود آگاه ما در ده ها سال گذشته ، افزایش یافته است .

صادرات کشور در نیمه اول فروردین ماه از لحاظ ارزش نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۸۶/۱ ملیون ریال کاهش یافته است . البته اگر عنوان ما در این زمینه و جبرود ناخود آگاه ما در ده ها سال گذشته ، میخورد ، گویا روند در این زمینه و جبرود ناخود آگاه ما در ده ها سال گذشته ، افزایش یافته است .

# گسترش و پیروزی انقلاب وابسته به وجود حزب انقلابی پیرو لتری است



### بمدفاع از زندانیان سیاسی

آدم درسی از شیوه‌های دیرینه جنایتکاران سازمان امنیت است. انسان‌های شریف را از خانه‌ها، از کچه‌ها، از سرکار بدون ارائه کتدرین ملک قانونی دستگیر می‌کنند و بشکجه گاه می‌کشاند بدون آنکه به خانواده آنها محل کار آنها کچلتترین خوبی بدهند. هفته‌ها و ماهها میگذرانند آنها در توشویش جانگناه بسر میزنند و راهی برای خبرگرفتن از عزیزان خود نمی‌یابند. سازمان جنایتکار امنیت فقط پس از آنکه زندانیان خویش را ماهها در زیر شکنجه گرفت و در محاکم درسته نظامی محکوم ساخت و حتی گاهی قتل نیز اعدا آنها خیرکجایی در بر جای می‌برد و بارها اقدام به شکنجه می‌سازد.

دستگیری‌های اخیر سازمان امنیت نیز بهمین شیوه است و رانه صورت گرفته است. پس از حوادث تهران که رژیم کودتا را سخت بوحشت انداخته و دشمنان رژیم در دهان فراق ارتضا ط مختلف کشور و قشرهای مختلف مردم به شکجه گاهها افکنده و اینک به تنظیم پرونده برای آنها مشغول اند. شتابزده کسی رژیم و وسعت دامنه دستگیری‌ها نشان میدهد که خشم و احترا تودهای مردم تا چه اندازه شدید و وسیع است و رژیم محمد رضا شاه تا چندان از بر جان خویش میهراسد.

اینک عده دیگری از جوانان میهن دوست ایران در معرض شکنجه و مرگ قرار دارند و تجربه نشان داده است که نقطه عمل مشترک همه نیروهای ملی و دموکراتیک میتواند آنان را از چنگال دشمنان برهاند. بویژه سازمان‌ها و نیروهای خارج از کشور که از امکانات بیشتری برخوردارند در این مورد وظیفه بزرگی در افشا سازمان امنیت بظواهرات جمعیتی و اقتصادی بر عهده دارند. ما ضمن اینکه از همه امکانات خود در زمینه دفاع از کتبه زندانیان سیاسی از هر صنف و از هر سواد استفاده خواهیم کرد فاطمه دانشجویان و سازمان‌های ملی و دموکراتیک خارج از کشور را به وحدت عمل دعوت میکنیم.

برای نجات زندانیان سیاسی با تمام قوا بکوشیم.

افتخار زندانیان سیاسی

نگگ بر سازمان اهریسی امنیت

# آوانتور یسم یا جنگ توده‌ای

۱۹۶۷: کفرانس سازمان هستنکی کشوهای امریکای لاتین (OLAS) فیدل کاسترو مواضعی نشان میدنکه که ظاهرآ انقلابی ترین مواضع اند. او راه‌مسائل کمونیسم راه پارلمانی را طرد میکند و با صدای بلند از زوهاره مسلحانه راه‌انقلابی را در او اعلام میدارد که انقلابی باید به سراسر امریکای لاتین گسترش یابد. مبارزه باید بطور همزمان در چند جبهه درگیر شود. این یک اعلان واقعی جنگ به امپریالیسم امریکا و نمایندگان آن است.

**وسلیعبرای دست یافتن به این مقصود جنگ پارتیزانی (گریلا) است.**

از آن زمان چندین سال میگذرد و روفا هم جنگ‌های پارتیزانی در چند جبهه پدید آمده اند. اگر این جنگها کاهی به موفقیت‌ها می‌رسند ولی باید گفت که بطور کلی کار آنها به شکست انجامیده است. بنظر ما این شکست‌ها به تصادف‌ها شرایط نامساعد یا به خطاهای تاکتیکی مربوط نیست، نتیجه درک غلط از مبارزه مسلحانه است.

مسئله عدده، حزب‌گونیست، کوبا است که فیدل کاسترو آنرا رهبری میکند. بانی کانون پارتیزانی که اصول تئوریک آنرا روی دویزیرشته تحریر آورده حزب کاسترو است. روی دویزیر فکلسخنکی کاسترو است و کاپش "انقلاب در انقلاب؟" در قسمت اعظم خود حتی بوسیله کاسترو دیکته شده است.

بررسی "انقلاب در انقلاب؟" روشن می‌سازد که تاجه حد بعضی تزه‌ای کاسترتی در تضاد با اصول مارکسیسم لنینیسم در باره جنگ توده‌ای است.

برای ما ممکن نیست در چهارچوب این مقاله همه تزه‌ای کاسترتی را تحلیل کنیم بهمین جهت این انتقاد که برینسای کتاب دویزه صورت میگیرد نمیتواند کامل باشد. ما دوتنگه خیلی مهم و جنگ پارتیزانی و جزیرا مورد بحث قرار میدیم.

**جنگ پارتیزانی**

توکاسترتی: انقلاب بایان مبارزه مسلحانه است و مبارزه مسلحانه نمیتواند پدید آید و گسترش یابد مگر ازبده کانون. کانون چیست؟ کانون گروه کوچکی از افراد است بطور کلی از روشنفکران شهر که تصمیم میگیرند مبارزه مسلحانه را بیافازند. این گروه منطقه خشک، کاملاً کوهستانی و کم جمعیتی را انتخاب میکند و در آنجا پایگاهی کوچک، متحرک و پنهان می‌سازد. این همان کانون است.

کانون چه نقشی دارد؟ این گروه بکک تبلیغات مسلح می‌کوشد مبارزه مسلحانه را گسترش دهد. "تبلیغات مسلح عبارت است از یک عمل نظامی موفقیت‌آمیز". ازین برین یک کامیون حل و نقل افراد نظامی، اعدا همکاموریلین، شکنجه‌گر در راه، عام بیض از دویزیر سخترانی در راه‌های مجاور تاثیر تبلیغاتی واقعی و عمیقاً سیاسی میگذارد. (از کتاب روی دویزه). کانون بکک حملات ناگهانی موفقیت‌آمیز به دهقانان می‌نماید که دشمن کیست و بر این دشمن میتوان پیروز شد. بندریج دهقانان که به نیروی خویش آگاهی مییابند به کانون می‌پیوندند، کانون بزرگ میشود، آزان کانونهای دیگری میزاید، ستونهای سربازان چریکی و بالاخره یک ارتش واقعی از آن بیخس وجود میآید.

اینست بطور خیلی ساده شیوه اقدام کاسترتی. دویزه باین نوع درک از مراحل مختلف مبارزه مسلحانه چه میتوان اند شید؟ آنچه که بچشم میخورد اینست که:

- ۱- اعضای کانون در اسامی خود شهریهایی جوانی هستند که ورزیدگی ندارند، منطقه وسوسین را به چوچه نمی‌شناسند، هیچ تجربه‌ای در زمینه زندگی در جنگ، درباره فواصل و نقل و انتقالات دشوار ندارند.
- ۲- نسبت به اهالی کاملاً بیگانه‌اند، حتی اقلیت نسبت به کشوری که در آن مبارزه میکند (مانند گروه چه کوارا در بولیوی).
- ۳- از اینرو مسائل دهقانان مهانیا زنده بیه‌اعتادات و رسوم آنسان آشنایی ندارند. کانون در واقع گروهی است بیگانه که از آسما در جنگ هرد آمد به باشد. دویزه خود مجبور است این حقیقت را بیذیرد. معدک او بر آن است که کانون بدون پشتیبانی توده هانخواهد توانست زندگی خود ادامه دهد گسترش یابد!
- ۴- اما دویزه میتوان پشتیبانی توده‌ها را تاسن کرد هنگامی که ما آنها را با دویزیر سیاسی و تفاهسی میان ما و آنها

نیست؟

اکسپو فرمولی که خلال تمام این مسائل است چنانکه در بدیه تبلیغات مسلح است، اما چگونه یک عمل نظامی میتواند در اهالی محاوراتی به معنی سیاسی ببخشد، ما باید که اهالی از کانون از افراد آن، از هده‌فهای آن بکلی بیخبرند؟

این ملاحظات ما را باین نتیجه میرساند که به طرح مسئله واقعی ببرد ازیم. مسئله‌ای که درک مارکسیستی - لنینیستی مبارزه مسلحانه را از درک کاسترتی آن از ریشه متمایز میسازد یعنی مسئله تدارک سیاسی مبارزه مسلحانه.

مسئله سیاسی و فماتیدن لزوم مبارزه مسلحانه است. ما برآنیم که مبارزه مسلحانه فقط میتواند تهره کار سیاسی طو لانی و دشوار و صبرورانه باشد. بدین منظور باید در شهر و روستا ریشه درواند و فعالیتی در کارگران و دهقانان داشت. مسائل نیازمند بهاهدات و رسوم زحمتکشان را عمیقاً شناخت و آنها را پایبای زحمتکشان از سرگد رانید.

در نظر دویزه تدارک مبارزه مسلحانه مرحله‌ای اساسی نیست، حتی یک مرحله فرضی جریان انقلابی نیز شمار نیاید. ا و با قاطعیت میگوید: "باید از کانون نظامی به جنبش سیاسی رفت" (همان کتاب). هنگامیکه مسئله سیاسی را مطرح میکند این مسئله را بشتابه دنبال‌های از عمل نظامی تلقی میکند. این شیوه درک مبارزه مسلحانه به جدائی و انفرا دموکراتیک منی انجامد. محل کانون سرانجام کشف میشود، اعضای آن یک از طرفه‌گیرهای سرکوبی بقل می‌رسند و توده‌های دهقان که هرگز نیبرد فاند که خواست این "بیگانگان" چیست به این صحنه خونین با بی تفاوتی نظری کامل مینگرد.

از همان تریه ۱۹۶۷ سخنوی رفقای ویتنامی در کفرانس هستنکی کشوهای امریکای لاتین با تشریح اهمیت مسئله سیاسی در تدارک مبارزه مسلحانه بطور غیر مستقیم ولی روشن انقلابیون امریکای لاتین را از چنین درکی بر حذر داشت. اینک مستخرجاتی از سخنرانی که نشان میدهد چاه‌اختلاف نظر دویزه درک کاسترتی بستی مبارزه مسلحانه را از درک مارکسیستی - لنینیستی متمایز می‌سازد.

**مسئله جنگ انقلابی قبل از هر چیز مسئله سیاسی است.**

... مبارزات سیاسی در گرفت، دهقانان شکایات خود را در مقامات محلی مطرح می‌ساختند که همیشه سرکوب دهقانان را در پی داشت. کمکم دهقانان با پوست و گوشت خود درک کردند که باید اسلحه بدست گرفت. در واقع هم آنها بودنده که با سستی اسلحه بدست می‌گرفتند. بنابراین شما کتر شرایط خود را بجمع کنید و دهقانان که آگاهی مییابند بیشتر حرکت ریبایند.

در مسئله دهقانی جان کلام اینست: شتاب‌نگردن. اگر دهقانان درک نمیکند، بکک تشابه پیشروانند خطرناک و غالباً بیفایده است. این دهقانان هستند که در ۱۹۵۹ مسئله مبارزه مسلحانه را در دستور کار قرار دادند.

سرسری نمیتوان انقلابی بود. مسئله دهقانی دشوارترین و بخرنج ترین مسائل است، اگر آن راحل کردید بیزر با شما است و شما دیگر مغلوب نخواهید شد. اما اگر تصور بود که به بهانه شرایط مساعد کاتی است تفنگ برداشت و دهقانان گفت که ما می‌خواهیم وضع را عوض کنیم و این بصورت گرفتار تخیلات‌های گشت؟

جبهه‌ها، از ۲۰ ساله ۱۹۶۰ مبارزه را رهبری میکند ولی قبل دهقانان بودند که آنرا آغاز کردند.

اگر بکار سیاسی نبرد آید، دهقانان از شما پشتیبانی نخواهند کرد و این خطر وجود است که شما مغرور بمانید. در آغاز دشمن از لحاظ نظامی همیشه قوی‌تر از شماست و شما باید تغییر مکان دهید. دشمن به سرکوبی می‌پردازد و دهقانان شمارا تهم می‌سازند زیر ناما هستند که عوامل سرکوبی را فرافهم ساخته آید.

نیاید شرایط خود را بد دهقانان تحمیل کرد. باید به آنها کت کرد که خودشان تلت و لزوم مبارزه مسلحانه را دریابند زیرا آنها، بمنافع خویش آگاهی دارند. بخصوص باید به آنها کت کرد که آگاهی سیاسی و سطح تشکیلاتی خود را بآزمایند.

**مسئله جنگ انقلابی در وهله اول نظامی نیست بلکه قبل از هر چیز سیاسی است.**

روشن است که این نظریات با

## مروک و نندک بر امپریالیسم امریکای